

تحلیل رفتار اعضای اوپک در اعلام ذخائر نفتی مطالعه موردی ایران

مرتضی بهروزی فر^۱، علی امامی میبدی^۲
عبدالرسول قاسمی^۳، محمدباقر حشمت زاده^۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۳

چکیده

انتظارات، نقش مهمی را در نوسانات قیمت نفت خام برعهده دارد و به نظر می‌رسد که عامل عمده و اساسی در تغییرات رفتار عرضه و نهایتاً تغییرات رفتار واقعی قیمت نفت بوده‌است. با شناخت عوامل موثر بر این انتظارات، می‌توان نبض بازار نفت و امکانات مختلف آن را، به‌صورتی پایدار و مستمر در دست داشت. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر سطح انتظاری قیمت‌ها در آینده تاثیر بگذارد، حجم ذخائر نفتی موجود و به‌ویژه حجم نفت در اختیار کشورهای عضو اوپک و محدود بودن حجم ذخائر قابل بازیافت نفت می‌باشد. اهمیت حجم ذخائر نفتی برای هریک از کشورهای عضو اوپک علاوه بر اعتبار در اختیار داشتن حجم بالاتری از ذخائر نفت نسبت به دیگران، کسب سهم بالاتری از کل تولید اوپک است، به این ترتیب که پس از تدوین سیستم سهمیه‌بندی تولید کشورهای عضو اوپک در ابتدای دهه ۱۹۸۰، حجم ذخائر به عنوان یکی از معیارهای تعیین سهمیه مشخص شد و پس از آن بود که مسابقه اعلان افزایش حجم ذخائر میان اعضا شروع

Email: behrouzifar@iies.ac.ir

Email: ali_meibodi@yahoo.com

Email: ghasemi.a@hotmail.com

Email: bagher_heshmatzade@yahoo.com

۱. استادیار مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، (نویسنده مسئول)؛

۲. دانشیار اقتصاد انرژی دانشگاه علامه طباطبائی

۳. استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی،

۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی،

شد. مقاله حاضر تلاش کرده تا با بررسی تحولات حجم ذخائر نفتی ایران از طریق بررسی میزان تاثیرگذاری این اطلاعات بر تولید نفت کشور، نسبت به معتبر بودن این اعلام‌ها، اظهارنظر کند، زیرا این اعتقاد وجود دارد که اعلام بیش از اندازه حجم ذخائر، باعث اغتشاش در بازار خواهد بود به این دلیل که این اطلاعات، مبنائی برای تداوم پیش‌بینی عرضه آتی نفت در بازارهای جهان است. بر مبنای نتایج مقاله حاضر که بر مبنای داده‌های فصلی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۳ و در چارچوب مدل مارکف سوئیچینگ انجام شده، عملاً ارتباطی میان افزایش حجم ذخائر و تغییر تولید نفت خام ایران به عنوان یکی از اعضای اوپک وجود ندارد که به نظر می‌رسد اعلام بیش از اندازه واقعی حجم ذخائر نفت، عملاً ناشی از رقابت پنهان میان اعضا در کسب جایگاه بالاتر در سازمان و نیز بدست آوردن سهمیه بیشتر تولید از این سازمان است.

واژه‌های کلیدی: اوپک، حجم ذخائر نفتی، قیمت نفت، سیاست تولید.

طبقه‌بندی JEL: D49، Q41، Q48.

۱. مقدمه

از زمانی که اولین چاه نفت ایران در منطقه نفتون مسجد سلیمان حفر شد، بیش از یک قرن می‌گذرد و طی این مدت تقریباً تمامی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما با نفت و درآمدهای حاصل از آن عجین شده است. سالیان سال درآمدهای حاصل از صادرات و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی و بودجه سالیانه کشور را تشکیل داده به گونه‌ای که طی سده گذشته، نفت علاوه بر پراهمیت‌ترین کالای تولیدی ما، مهمترین محمل ارتباطی ما با دنیای خارج نیز بوده است. ایران به عنوان یکی از اعضای مؤسس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، تمایل دارد تا نقش قابل توجهی در این سازمان برعهده داشته باشد که لازمه این کار، در اختیار داشتن ظرفیت تولید مناسب و حجم قابل توجه ذخائر نفتی است. از ابتدای دهه ۱۹۸۰ و برقراری سیستم سهمیه‌بندی تولید، یکی از معیارهای تعیین سهمیه و نیز شاخص قدرت هر یک از اعضا، حجم ذخائر نفتی بود و چنین شد که کشورهای عضو، به دفعات حجم ذخائر قابل استحصال خود را افزایش دادند (جدول شماره ۱ را ملاحظه فرمائید).

جدول ۱. روند اعلان افزایش حجم ذخائر برخی اعضای اوپک

کشور	قبل از تغییر		بعد از تغییر		درصد افزایش
	سال	ذخایر (میلیارد بشکه)	سال تغییر	ذخایر (میلیارد بشکه)	
ایران	۱۹۸۵	۵۹	۱۹۸۶	۹۲/۹	۵۷/۵
عراق	۱۹۸۶	۷۲	۱۹۸۷	۱۰۰	۳۸/۹
کویت	۱۹۸۳	۶۷	۱۹۸۴	۹۲/۷	۳۸/۳
عربستان سعودی	۱۹۸۷	۱۶۹/۶	۱۹۸۸	۲۵۵	۵۰/۴
امارات متحده عربی	۱۹۸۵	۳۳	۱۹۸۶	۹۷/۲	۱۹۴/۴
ونزوئلا	۱۹۸۴	۲۸	۱۹۸۵	۴۵/۵	۹۴/۶

منبع: 2015.BP statistical yearbook

این رقابت تا به امروز ادامه یافته است. در آخرین مسابقه اعلان حجم ذخائر، در اکتبر ۲۰۱۰ عراق اعلام کرد ذخایر نفتی این کشور از ۱۱۵ میلیارد بشکه به ۱۴۳/۱ میلیارد بشکه افزایش یافته است. یک هفته بعد ایران ذخایر رسمی خود را از ۱۳۶/۶ میلیارد بشکه به ۱۵۰/۳ میلیارد بشکه افزایش داد.

در مقاله حاضر به دنبال آن هستیم تا با استفاده از تکنیک‌های اقتصاد سنجی، بررسی کنیم که آیا اعلان افزایش حجم ذخائر نفتی ایران به عنوان یکی از اعضای موثر اوپک، تاثیری بر میزان تولید نفت کشور داشته و یا به عبارتی، آیا این افزایش حجم ذخائر، بر تولید نیز موثر بوده و یا فقط به دلایل سیاسی انجام شده است.

در ادامه، به بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظر پرداخته و پس از آن، به روش‌شناسی تحقیق خواهیم پرداخت. سپس با معرفی متغیرهای مورد استفاده در مدل، نتایج تحقیق ارائه شده و در پایان، در بخش نتیجه‌گیری و جمع‌بندی، نتایج حاصل از مطالعه ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

جدیدترین تحول در ادبیات مربوط به حداکثر تولید (پیک) نفت^۱ در نشریه Scientific American توسط کمبل و لاهرر (۱۹۹۸)^۲ آغاز شد. این نویسندگان بر اساس ارزیابی خود از شواهد زمین‌شناسی جمع‌آوری شده در طول سالیان طولانی، نسبت به رسیدن به سقف تولید نفت جهان هشدار دادند. اگرچه تعداد زیادی کتاب و مقاله در زمینه حداکثر تولید نفت پس از مقاله کمبل و لاهرر ارائه شدند، قبل از ایشان، مطالب اندکی در این زمینه منتشر شده بود. محدوده طیف تحلیلگران حداکثر تولید نفت از کسانی که پیش‌بینی می‌کردند حداکثر تولید نفت جهان در کوتاه‌مدت (۲۵ سال یا کمتر) واقع شود^۳

1. Peak Oil

2. Campbell and Laherrere 1998

3. Mannan, and Wheeler 2007; RW Bentley 2002; Mohr and Evans 2008; Cavallo 2002

تا کسانی که سقفی برای تولید نمی‌دیدند^۱، قرار داشتند و در این میانه نیز افراد دیگری جای می‌گرفتند^۲.

در واقع نظرات کارشناسی اندکی وجود دارد که برخلاف نظریه رسیدن تولید نفت جهان به حداکثر خود در کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت باشد. یک نظر مخالف این است که افزایش قیمت نفت، زمینه مناسب‌تری برای اکتشاف و تولید نفت از منابع متعارف و یا غیرمتعارف ایجاد خواهد کرد و قانون عرضه به طور خودکار، تولید نفت را افزایش خواهد داد تا تقاضای بازار را پوشش دهد. در مقابل، با توجه به تقاضای سوخت‌های مایع برای سیستم حمل و نقل جهان، با افزایش هزینه‌های تولید نفت متعارف، جایگزین‌هایی در قالب منابع غیرمتعارف مانند نفت شیل، سوخت‌های زیستی و GTL وارد بازار خواهند شد.

سلامه (۲۰۰۴) طی مقاله‌ای تحت عنوان ذخایر اثبات شده اعلام شده توسط اعضای اوپک تا چه حد واقعی است؟ به ارائه آمارهای منتشر شده توسط اعضای اوپک در مورد ذخایرشان می‌پردازد و افزایش ناگهانی ذخایر کشورهای این سازمان طی سال‌های ۸۸-۱۹۸۶ و ۲۰۰۳-۲۰۰۴ را بررسی کرده و استدلال می‌کند که ارائه این آمارها جنبه سیاسی داشته و با واقعیت انطباق ندارد و طبق برآوردهای وی، ذخایر اثبات شده نفت اوپک ۳۰۰ میلیارد بشکه کمتر از حد اعلام شده می‌باشد.

یانگ^۳ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان رفتار اوپک، با مبنا قرار دادن مطالعات گرین و پورتر (۱۹۸۴)، به بررسی تعامل اعضای اوپک با یکدیگر پرداخته است. وی اعتقاد دارد رفتار اوپک دهه‌ها پس از تأسیس، هنوز محل بحث و جدل اقتصاددانان است. بسیاری از متون اقتصادی، از اوپک به عنوان مثالی برای کارتل استفاده می‌کنند، هرچند مطالعات گذشته نشان می‌دهند که اوپک به طور کامل در قالب هیچیک از انواع کلاسیک کارتل از جمله سازمان حداکثرکننده سود مشترک، بنگاه مسلط، کارتل تقسیم بازار و ... نمی‌گنجد. به نظر وی، بررسی مطالعات تجربی اوپک، نقص عمده‌ای را در کارهای

1. Adelman and Lynch 1997; Linden 1998; Lynch 2003

2. Greene, Hopson, und Li 2005

3. Bo Yang

گذشته آشکار می‌سازد. برخی محققان دریافته‌اند که رفتار اوپک در طی زمان تغییر می‌کند و بنابراین مشتاق شده‌اند تا به منظور تحلیل عملکرد اوپک تحت مفهوم رفتار متغیر، از ابزار اقتصادسنجی استفاده کنند، هرچند مطالعه در این زمینه هنوز خیلی محدود بوده و بسیاری از سؤالات مهم هنوز پاسخ داده نشده‌اند، از جمله اینکه چه تحولات بازاری و چه فعل و انفعالاتی میان اعضا، منجر به تغییر وضعیت رفتار آن‌ها می‌شود، تغییرات رفتار اوپک چه معنا و مفهوم خاصی برای پایداری اوپک دارد و آیا تغییرات رفتار می‌تواند از دیدگاه بازده اقتصادی توجیه شود؟. مطالعه یانگ با استفاده از مفهوم تبانی تحت نظریه اطلاعات ناقص پیشنهاد شده توسط گرین و پورتر، رفتار اوپک در طول دوره بعد از ایجاد سیستم تخصیص سهمیه که در اوایل سال ۱۹۸۲ پایه‌ریزی شد را تحلیل می‌نماید. تحلیل‌های مفهومی فرض می‌کنند که هر عضو اوپک تولید خود را بین استراتژی تبانی و رقابت کورنو از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌دهد، مشروط به مجموعه‌ای از متغیرها که شامل محدودیت‌های مالی داخلی و اطلاعات بازار می‌شود. تغییرات رفتار، نقشی کلیدی در حفظ تبانی سازمان بازی می‌کند به گونه‌ای که یک رفتار متقلبان، تنبیه از جانب سایرین را برمی‌انگیزد و زبانی که از تنبیه ناشی می‌شود، طی زمان، از عایدی ناشی از تقلب در طول دوره کنونی سنگین‌تر خواهد بود. از آن جایی که یک رفتار متقلبان نمی‌تواند مستقیماً مشاهده شود، تولیدکنندگان برخی شاخص‌های بازار را نظارت و کنترل می‌کنند، از جمله قیمت بازار و تخلف از سهمیه گزارش شده و ...، تا تصمیم بگیرند چه زمانی بایستی به یک استراتژی رقابتی تغییر حالت دهند. با توجه به این که شاخص‌های قابل مشاهده در بازار به طور ناقص با رفتار تولیدکننده‌ها همبسته هستند، خواص تصادفی این شاخص‌ها می‌تواند جنگ قیمت و رقابتی سخت میان تولیدکنندگان (حتی در زمان‌هایی که ممکن است تقلبی نیز رخ نداده باشد) به راه اندازد. نتیجه بکارگیری چنین سازوکاری این است که جنگ قیمت میان تولیدکنندگان اوپک در هر زمانی رخ خواهد داد و رفتارهای تولیدی متفاوت هر تولیدکننده می‌تواند مشاهده و به لحاظ تجربی متمایز شود. علاوه بر این، تولیدکنندگان در دوره‌های تبانی از مقداری سود به منظور کاهش نوسانات و مدت

دوره‌های بازگشت به عقب چشم‌پوشی می‌کنند. از اینرو، این توجیهی منطقی است که تولید اغلب تولیدکنندگان اوپک دائماً بیشتر از سهمیه تخصیص داده شده، اما هنوز در یک سطح محدود شده می‌باشد. بر مبنای نتایج برآورد مدل اقتصادسنجی یانگ، فرضیه تغییر رفتار تولید در طول زمان، قویا به وسیله آزمون‌های آماری تأیید شد و رفتارهایی در چارچوب رفتار رقابتی و رفتار تبانی در دو رژیم تولیدی برای اغلب تولیدکنندگان مشاهده شد. یانگ اعتقاد دارد که تحلیل‌های مفهومی و آزمون تجربی ما را به این نتیجه رهنمون کرد که اعضای اوپک تحت شرایط عادی، تبانی می‌کنند و در زمان‌هایی در واکنش به علائم بازار ناقص کارتل و برخی شرایط داخلی، رفتاری رقابتی در پیش می‌گیرند. رفتار مشترک رقابتی متناوب، نقش مهمی را در حفظ تبانی در بلندمدت بازی می‌کند. عربستان سعودی به عنوان رهبر کارتل عمل می‌کند، برخی تحولات نامطلوب بازار را اصلاح می‌کند و سایرین را با یک استراتژی تلافی جویانه، تنبیه می‌کند. مطابق پیش‌بینی‌های مدل مطالعه یانگ، انتظار می‌رود سقوط قیمت به دلیل رفتار شبه‌رقابتی اعضای اوپک، در آینده نیز رخ دهد؛ به هر حال این داستان‌ها نباید دلالتی بر مرگ اوپک باشد، زیرا برقراری مجدد تبانی، برگشت‌پذیر خواهد بود.

بایس (۲۰۰۹)^۱ در مطالعه‌ای تحت عنوان آنچه که بالا رفته است باید پایین بیاید؟ در تحلیل اقتصادی از نقطه اوج نفت، به این مساله پرداخته که بعد از سال ۱۸۵۹ که تولید جهانی نفت به شدت افزایش یافت، تحلیل‌گران بیان کردند که تولید نفت به اوج خود رسیده و از این پس کاهش خواهد یافت. او در تحقیق خود با استفاده از یک مدل خطی نشان داد که این رابطه وجود ندارد.

سواره (۲۰۱۰)^۲ در تحقیقی تحت عنوان برآورد بیش از اندازه ذخایر، به این مطالب می‌پردازد که اعضای اوپک به‌طور قابل توجهی ذخایر خود را بیشتر برآورد کرده و حداقل یک چهارم ذخائر اعلام شده اعضای اوپک را قابل تردید دانسته‌است. وی این سؤال را

1. John R.Boyce

2. Philip Saure'

مطرح کرد که در حالی که شرایط اقتصادی با این اعلام می‌تواند برای آنها سخت‌تر شود، چه انگیزه یا انگیزه‌هایی می‌تواند منجر به چنین برآوردی شود؟ محقق نتیجه می‌گیرد که کشورهای عضو اوپک با این کار به دنبال آن هستند تا انگیزه و توجیه اقتصادی تحقیق و توسعه در زمینه انرژی‌های جایگزین را کاهش دهند، اگرچه این عمل برای آنها بی‌هزینه نخواهد بود و مشکلاتی در زمینه عرضه نفت و انحراف بازار بوجود خواهد آمد. ولی دادن سیگنال‌های اشتباه به بازار، باعث افزایش تقاضای نفت و کاهش فعالیت‌های تحقیق و توسعه در انرژی‌های جایگزین می‌شود.

اولاند (۲۰۱۱)^۱ در تحقیقی به عنوان اقتصاد نقطه اوج نفت، نگاهی دارد به کاهش تولید نفت در آینده و آثار خطرناکی که با خود به همراه خواهد آورد. او برخلاف اغلب متونی که برای تعیین نقطه اوج تولید نفت از مدل‌های غیراقتصادی استفاده می‌کنند، معتقد است که برای تعیین نقطه اوج نفت باید از تحلیل‌های اقتصادی استفاده کرد و تحلیل‌های اقتصادی را برای بررسی تولید از ذخائر نفتی لازم می‌داند و اعتقاد دارد که مساله کمیابی در مورد نفت حتماً باید در مدل، لحاظ و تاکید شود.

اوکولو و رینز (۲۰۱۱)^۲ در تحقیقی تحت عنوان آیا افزایش حجم ذخایر نفتی در حوزه‌های نفتی در حال برداشت، می‌تواند نقطه اوج نفت را تحت تاثیر قرار دهد؟، بیان می‌کند که بعد از اینکه ایالات متحده چند دهه پیش به نقطه اوج تولید نفت خود رسید و تولید نفت دیگر کشورهای غیراوپک هم به علت تخلیه منابع کاهش یافت، اوپک نیز تولید خود را کاهش داد، اکتشافات جدید نفتی در کشورهای غیراوپک نیز به طور قابل ملاحظه‌ای محدود شدند. آنها در این تحقیق اثر افزایش ذخائر نفتی اوپک در بازار نفت را مورد بررسی قرار داده و قدرت و ضعف سازمان اوپک ناشی از حجم ذخائر نفتی این سازمان را مورد مطالعه قرار دادند. آنها با ارائه چارچوبی اقتصادی - زمین‌شناسی نقطه اوجی برای تولید نفت خام تعریف کردند و به این نتیجه رسیدند که هیچ پتانسیل معناداری

1. Stephen P.Holland

2. Samuel J.Okullo, Frederic Reynes

برای افزایش ذخایر نفت وجود ندارد و همچنین رفتار اوپک می‌تواند تخلیه ذخایر غیروپک را تحت تاثیر قرار دهد و با نرخ تخلیه خوش‌بینانه تا سال ۲۰۵۰ یا زودتر ذخایر نفتی کشورهای غیر اوپک تخلیه می‌شوند. همچنین کاهش ذخایر نفت باعث می‌شود اوپک در استراتژی استخراج خود رفتار همکارانه‌ای نشان ندهد.

برچا (۲۰۱۲)^۱ در مطالعه‌ای تحت عنوان منحنی لاجستیک، هزینه‌های استخراج و اندازه موثر ذخائر نفتی، به این مطالب می‌پردازد که منابع بالقوه سوخت فسیلی یک موضوع مهم دنیای حاضر است و چالشی در تفسیر داده‌های موجود در زمینه چشم‌انداز استخراج آینده ذخایر فسیلی وجود دارد. وی افزایش قیمت نفت و به دنبال آن اعلام افزایش قابل ملاحظه در حجم ذخایر اثبات‌شده را مساله‌ای قابل تامل دانسته و با استفاده از نظریه هوبرت یعنی استفاده از پردازش منحنی لاجستیک و تکمیل نظریه وی با وارد کردن داده‌های اقتصادی در قالب برآورد هزینه‌های استخراج انواع مختلف نفت (متعارف و غیرمتعارف)، حجم نفت قابل تولید را پیش‌بینی کرد. وی از برآورد مدل به این نتایج رسید که منابع قابل استخراج (متعارف و غیرمتعارف) بسیار کمتر از منابع نفت در جاست. نرخ رشد پائین انرژی‌های جایگزین برای هر دو نوع منبع، باعث استخراج در حجم بالایی آنها شده و تولید از منابع غیرمتعارف در حجم زیاد و با هزینه تولید بالا، منجر به افزایش هزینه نهایی شده و در نهایت منجر به افزایش شدیدتر قیمت و استخراج بیشتر نفت متعارف خواهد شد.

اوکولو و همکاران (۲۰۱۵)^۲ در تحقیقی تحت عنوان مدل‌سازی اوج نفت و محدودیت‌های زمین‌شناسی در تولید نفت، با استفاده از مدل هوتلینگ و مدل‌های منابع تجدیدنپذیر و با توجه به محدودیت‌هایی که در مدل خود وارد می‌کنند، حجم ذخایر اندک و تابع هزینه استخراج اکیدا مقعری بدست می‌آورند که با افزایش تولید، سودنهایی (درآمد نهایی منهای هزینه نهایی) به طور محسوسی کاهش می‌یابد که حکایت از اوج

1. Robert Brecha

2. Samuel J. Okullo, Frederic Reynes, Marjan W. Hofkes

استخراج زنگوله‌ای شکل و قیمت‌های U شکل دارد. همچنین با بررسی داده‌های موجود، افزایش قیمت نفت در بازار و کاهش تولید و ذخایر را با توجه به محدودیت‌های زمین شناسی، پیش‌بینی می‌کنند. ایشان نتیجه می‌گیرند که اگرچه افزایش قیمت، منجر به افزایش تولید نفت غیروپیک خواهد شد، ولی این افزایش تولید به میزانی نخواهد بود که کاهش تولید اوپیک را جبران نماید، بنابراین افق روشنی را برای افزایش عرضه نفت در آینده، پیش‌بینی نمی‌کنند.

وثوقیان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به نحوه اعلام ذخایر اوپیک به ویژه ونزوئلا پرداخته است. وی اعتقاد دارد در شرایطی که ونزوئلا می‌کوشد مقام دومین دارنده ذخایر نفت اوپیک را از آن خود کند [در سال ۲۰۰۹]، وجود معیارهایی برای بررسی ادعای کشورهای عضو در باره میزان ذخایر نفت ایشان، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. منظور از ذخایر نفت در ادبیات اوپیک، ذخایر قابل استخراج^۱ است؛ در این تعریف هیچگاه ذخایر درجای نفت یا ذخائر نفت سنگین و فوق سنگین، معیار ارزیابی نبوده است. توجه به حجم ذخایر اثبات شده نفت ونزوئلا در سال ۲۰۰۷ میلادی، گویای آن است که ذخایر اثبات شده این کشور در این سال ۹۹ میلیارد و ۳۷۷ میلیون بشکه بوده، اما اوپیک در اطلاعات منتشر شده این سازمان در سال ۲۰۰۸، ذخایر اثبات شده ونزوئلا را ۱۷۲ میلیارد و ۳۲۳ میلیون بشکه اعلام کرد؛ از نظر وی می‌توان گفت ارتقای جایگاه ونزوئلا در اوپیک، با احتساب ذخایر غیرمتعارف صورت گرفته که امری غیرمرسوم بوده است. اگرچه اوپیک مقدار تولید و سهمیه تولید کشورهای عضو اوپیک را بررسی می‌کند، اما تا کنون وارد بحث [ارزیابی] میزان ذخایر کشورهای عضو نشده، بنابراین وی در این مقاله تشکیل کمیته‌ای برای بررسی ذخایر اعلام شده را لازم می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که در کنار تمام موارد یاد شده در مورد ذخایر نفتی کشورها، اگرچه میزان ذخایر نفتی می‌تواند جایگاه اعضای اوپیک را در این سازمان تغییر دهد، اما این تنها عامل تعیین موقعیت اعضای اوپیک نیست، بلکه عوامل دیگری نیز در این امر دخیل است که مقدار و ظرفیت تولید نفت از جمله آنهاست. گذشته

1. Recoverable Oil reserves

از این، برخورداری از فناوری و فراهم آوردن شرایط مناسب سرمایه‌گذاری، از دیگر عوامل تعیین جایگاه و توانمندی کشورهای تولیدکننده نفت است.

باقری (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان نقش اوپک در بازار آینده انرژی‌های متنوع، در چارچوب اقتصاد سیاسی نفت، به استدلال پرداخته و ابزار سیاسی اوپک را برای مدیریت بازار جهانی نفت، ظرفیت مازاد تولید در کشورهای عضو و نظام سهمیه‌بندی تولید این کشورها دانسته و کاستی‌های مدل‌های رفتاری اوپک را تحت عناوین حجم تولید نفت خام غیراوپک، عرضه بلندمدت از منابع غیرمتعارف و رشد استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، ارائه کرده و به این نتیجه رسیده که اوپک کماکان در آینده بازارهای جهانی نفت، نقش قابل توجهی برعهده خواهد داشت.

قهرمان (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان بررسی رفتار اوپک در قالب یک بازی همکارانه به این مطالب می‌پردازد که طبق نظریه بازی همکارانه بازیگران در غیاب قدرت مافوق و در حالی که برخی بازیکنان بر آن هستند که دیگران را تابع خود سازند، آیا همکاری امکان‌پذیر است یا خیر؟ براساس نظریه بازی‌ها، اگر بازیکنان از بردباری لازم برخوردار باشند، بازی همکارانه امکان‌پذیر است. اوپک به عنوان یکی از بزرگترین ائتلاف‌های بازار جهانی نفت از اعضای با بردباری متفاوت تشکیل شده است. وی با استفاده از مدل با اثرات ثابت^۱، اثبات کرد مقدار فروش نفت خام توسط کشورهای عضو اوپک، رابطه مثبتی با ذخایر اثبات‌شده و فروش دوره قبل آن‌ها دارد و همچنین بین مقدار فروش نفت و مجذور ذخیره سرانه اثبات‌شده در کشور عضو، رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد.

با توجه به مطالعه نسبتاً کاملی که یانگ انجام داده، مقاله حاضر بر مبنای مطالعات وی، پایه‌گذاری شده و می‌خواهد تا با تکمیل بخشی از مواردی که وی به آن نپرداخته، در خصوص تاثیر اعلان افزایش ذخائر کشورهای عضو بر روند تولید ایشان، در مورد صحت و سقم این اطلاعات، اظهار نظر نماید.

1. Fixed-Effects

۳. روش شناسی تحقیق

در این مقاله با استفاده از رویکرد مارکوف سوئیچینگ^۱، به بررسی رفتار ایران به عنوان یکی از اعضای اوپک در اعلام ذخائر نفتی پرداخته شده است. در ابتدا توضیح مختصری در مورد روش شناسی رویکرد به کار رفته در مقاله ارائه می شود.

مدل مارکوف سوئیچینگ ابتدا توسط همیلتون در سال ۱۹۸۹ مطرح شد و به مدل تغییر رژیم نیز شناخته می شود، این مدل از مشهورترین مدل های غیرخطی می باشد و از چندین معادله برای توضیح رفتار متغیرها در رژیم های مختلف استفاده می کند، بطوری که با تغییر معادلات در رژیم ها این امکان را فراهم می آورد تا مدل بتواند الگوهای پویای پیچیده ای را توضیح دهد. ویژگی قابل توجه مدل مارکوف سوئیچینگ این است که مکانیسم تغییر رژیم در این مدل به یک متغیر وضعیت بستگی دارد که از ویژگی های زنجیره مارکوف مرتبه اول پیروی می کند. به عبارت دیگر، مقدار متغیر وضعیت تنها به مقدار این متغیر در دوره قبل بستگی دارد. بنابراین مدل مارکوف سوئیچینگ برای توضیح داده هایی که الگوهای رفتاری گوناگونی در بازه های مختلف زمانی نشان می دهند، مناسب است. حالت اصلی مدل مارکوف سوئیچینگ که توسط همیلتون مطرح شده، برای میانگین متغیرها می باشد. این حالت و همچنین حالت های دیگر مدل فوق به طور گسترده برای بررسی متغیرهای اقتصادی و مالی استفاده شده است.

از سوی دیگر با توجه به این که در این مدل ها سری زمانی مورد بررسی (y_t) در طی زمان توأم با تغییرات در وضعیت (رژیم) است در آن صورت فرض ثابت بودن پارامترها در مدل های VAR^۲ موجه نبوده و از مدل های MS-VAR^۳ می توان به عنوان یک جایگزین مناسب استفاده کرد. ایده اصلی این روش این است که پارامترهای مدل فوق به متغیر وضعیت (S_t) بستگی دارند، در عین حال S_t قابل مشاهده نبوده و فقط می توان احتمال مربوط به آن را به دست آورد. برای این منظور همیلتون (۱۹۹۴ و ۱۹۹۳) نشان

-
1. Markov Switching Model
 2. Vector Autoregressive Model
 3. Markov-Switching Vector Autoregressive Model

داد، در مدل‌های MS-VAR، سری زمانی y_t به شکل نرمال با میانگین μ_i در هر رژیم و با احتمال P توزیع شده است. بنابراین مدل MS-VAR در حالتی که شامل سه رژیم و p وقفه باشد به شکل MS(3)-VAR(p) تعریف می‌شود:

$$\begin{aligned} y_t &= \mu(S_t) + [\sum a_i (y_{t-i} - \mu(S_{t-i}))] + u_t \\ u_t | S_t &\sim \text{NID}(0, \sigma^2), S_t = 1, 2, 3 \end{aligned} \quad (1)$$

مدل کامل MS-VAR در معادله (۱) که امکان وابسته بودن میانگین و واریانس به رژیم‌ها (دو رژیم) وجود دارد به شکل MS(2)-VAR(p) قابل بیان است:

$$\begin{aligned} Y_t - \mu(S_t) &= A_1(S_t)(Y_{t-1} - \mu(S_{t-1})) + \dots + A_p(S_t)(Y_{t-p} - \mu(S_{t-p})) + \varepsilon_t \\ Y_t &= Y_{1t} \ Y_{2t} \ Y_{nt} \dots, \dots, \text{ به طوری که در آن، } \mu \text{ بردار میانگین،} \\ A_1, \dots, A_p &\text{ بردار پارامترهای مدل و } \varepsilon_t \text{ بردار وایت نویز که دارای توزیع } S_t \sim \text{NID}(0, \sum(S_t)) \text{ است. (کرولیزنگ، ۱۹۹۷)} \end{aligned} \quad (2)$$

با توجه به این که S_t متغیر تصادفی بوده و تغییرات آن منجر به تغییر ساختار معادله می‌شود از این رو بهتر است، نحوه تغییر متغیر وضعیت (S_t) را شناسایی کرد. بنابراین در مدل‌های MS فرض می‌شود که متغیر وضعیت (S_t) از زنجیره مرتبه اول مارکوف تبعیت می‌کند که در آن رژیم جاری (S_t) به رژیم دوره قبل آن (S_{t-1}) وابسته بوده و به شکل زیر است:

$$\Pr(S_t = j | S_{t-1} = i, S_{t-2} = k, \dots) = \Pr(S_t = j | S_{t-1} = i) = p_{ij} \quad (3)$$

که در آن p_{ij} نشان دهنده احتمال انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر می‌باشد. با در نظر گرفتن این احتمالات برای m رژیم می‌توان ماتریس احتمال انتقالات (p) را که یک ماتریس $m \times m$ است به شکل زیر تعریف کرد:

$$P = \begin{bmatrix} p_{11} & p_{12} & \dots & p_{1m} \\ p_{21} & p_{22} & \dots & p_{2m} \\ \vdots & & & \\ p_{m1} & p_{m2} & \dots & p_{mm} \end{bmatrix} \quad (۴)$$

$$\sum_{j=1}^m p_{ij} = 1, \quad i = 1, 2, \dots, m, \quad 0 \leq p_{ij} \leq 1$$

حال با توجه به این که در مدل‌های MS پارامترهای مدل VAR به متغیر وضعیت (St) بستگی دارند، در عین حال (St) قابل مشاهده نبوده و فقط می‌توان احتمال مربوط به آن را پیش‌بینی کرد. بنابراین مقدار احتمال پیش‌بینی سه رژیم در زمان t با توجه به اطلاعات موجود در دوره‌ی t-1 را می‌توان توسط بردار (1×3) ، $\hat{E}_t|t-1$ نشان داد:

$$\hat{E}_t|t-1 = \begin{bmatrix} p(S_t = 1 | \Omega_{t-1}) \\ p(S_t = 2 | \Omega_{t-1}) \\ p(S_t = 3 | \Omega_{t-1}) \end{bmatrix} \quad (۵)$$

که عناصر مربوط به آن شامل $p(S_t = j | \Omega_{t-1})$ ، $j = 1, 2, 3$ احتمال فیلتر شده t امین مشاهده توسط رژیم z با در نظر گرفتن اطلاعات در دوره t-1 است. همچنین برای به دست آوردن تابع حداکثر راستنمایی در مدل‌های MS لازم است η_t را به عنوان بردار $1 \times N$ (بردار (1×3))، که عنصر jام آن چگالی شرطی y_t ، برای سه رژیم به شکل زیر تعریف کرد:

$$\eta_t = \begin{bmatrix} f(y_t | S_t = 1, \Omega_{t-1}) \\ f(y_t | S_t = 2, \Omega_{t-1}) \\ f(y_t | S_t = 3, \Omega_{t-1}) \end{bmatrix} \quad (۶)$$

همچنین برای بدست آوردن تابع چگالی شرطی لازم است احتمال توزیع مشترک Y_t و S_t را به شکل زیر نشان داد:

$$f(Y_t, S_t = j | \Omega_{t-1}) = f(Y_t, S_t = j, \Omega_{t-1}) g(S_t = j | Y_{t-1}), \quad j = 1, 2, 3 \quad (۷)$$

از این رو با در نظر گرفتن نکات فوق می توان تابع چگالی شرطی Y_t ، که از جمع معادله (۷) بدست می آید برای سه رژیم به شکل زیر تعریف کرد:

$$f(Y_t | \Omega_{t-1}) = \sum_{j=1}^3 \sum_{i=1}^3 f(Y_t | S_t, \Omega_{t-1}) p(S_t | \Omega_{t-1}) = \hat{\eta}_t \hat{\epsilon}_{t|t-1} \quad (۸)$$

که در آن $\hat{\epsilon}_{t|t}$ را می توان از معادلات (۹) و (۱۰) نیز بدست آورد:

$$\hat{\epsilon}_{t|t} = \frac{\eta_t \theta \hat{\epsilon}_{t|t-1}}{1'(\eta_t \theta \hat{\epsilon}_{t|t-1})} \quad (۹)$$

$$\hat{\epsilon}_{t+1|t} = p \hat{\epsilon}_{t|t} \quad (۱۰)$$

معادله (۹) احتمال $\text{pr}(S_t = j | \Omega_t; \Theta)$ را به صورت نسبت توزیع مشترک $S_t = j, f(y_t | \Omega_t; \Theta)$ به توزیع حاشیه ای $f(y_t | \Omega_{t-1})$ محاسبه می کند که توزیع حاشیه ای از جمع توزیع مشترک بر روی وضعیت های $1, 2, \dots, N$ به دست می آید Θ ضرب عنصر به عنصر را نشان می دهد. همچنین معادله (۱۰) دلالت بر این دارد که برای به دست آوردن احتمالات پیش بینی رژیم ها در وضعیت های مختلف در دوره آتی کافی است ماتریس احتمال انتقال $m \times m$ را در ترانهاده ماتریس احتمال پیش بینی رژیم ها پیش ضرب کنیم.

بنابراین با فرض یک مقدار اولیه برای پارامترهای Θ و $\hat{\epsilon}_{1|0}$ که در مدل فوق P_1^1 [1 - P_1^1] است. می توان بر روی معادلات (۹) و (۱۰) تکرار را انجام داد تا $\hat{\epsilon}_{t|t}$ و $\hat{\epsilon}_{t+1|t}$ برای دوره ی $t=1, 2, \dots, T$ به دست آید. در نهایت تابع درستنمایی لگاریتمی $L(\Theta)$ را می توان به شکل زیر محاسبه کرد:

$$L(\Theta) = \sum_{t=1}^T \log f(y_t | X_t, Y_{t-1}; \Theta) \quad (۱۱)$$

$$f(y_t | X_t, Y_{t-1}; \Theta) = 1'(\hat{\epsilon}_{t|t} \Theta \eta_t) \quad (۱۲)$$

بنابراین می توان عبارت فوق را برای مقادیر مختلف Θ ارزیابی کرد تا بر آورد حداکثر راستنمایی به دست آید. از این رو می توان مدل معرفی شده اولیه را به حالتی تعمیم داد که شامل m رژیم و p وقفه باشد.

در کارهای تجربی می توان مدل را طوری تغییر داد که فقط برخی از پارامترها به رژیم بستگی داشته باشند و سایر پارامترها با تغییر رژیم عوض نشوند. در ادبیات مربوط به

مدل‌های MS، برای نشان دادن میانگین از علامت μ ، برای عرض از مبدأ، از علامت a ، پارامترهای خودهمبستگی از A ، و برای واریانس از H استفاده می‌شود. با ترکیب حالت‌های فوق می‌توان مدل‌های جزئی‌تری را بدست آورد که در آن، امکان وابسته بودن اجزای مختلف معادله به رژیم‌ها وجود دارد. جدول شماره ۲، خلاصه حالت‌های مختلف مدل مارکوف سوئیچینگ را نشان می‌دهد.

جدول ۲. خلاصه حالت‌های مختلف مدل‌های MS-AR

		MSM		MSI	
ثابت A_i	σ^2 ثابت	μ متغیر	μ ثابت	C متغیر	C ثابت
		MSM ^۲ -AR	خطی AR	MSI ^۱	خطی AR
متغیر A_i	σ^2 متغیر	MSMH ^۴ -AR	MSH-AR	MSIH ^۳ -AR	MHA-AR
	σ^2 ثابت	MSMA-AR	MSA-AR	MSIA ^۵ -AR	MSA-AR
	σ^2 متغیر	MSMAH ^۷ -AR	MSAH-AR	MSIAH ^۶ -AR	MSAH-AR

منبع: کرولزینگ، ۱۹۹۷

۴. معرفی متغیرهای مورد استفاده در مدل

مدل استفاده شده در این مطالعه عبارت است از:

$$DLQ_t = (1 - S_t)(\alpha_1^0 + \alpha_2^0 DLOilprice_t + \alpha_3^0 DLQother_{it}) + S_t(\alpha_1^1 + \alpha_2^1 DLOilprice_t + \alpha_3^1 DLQother_{it}) + \beta X_t + e_t \quad (۱۳)$$

در مدل به کار رفته در مطالعه حاضر از تفاضل مرتبه اول لگاریتمی استفاده شده است، براین اساس، رشد تولید نفت ایران (DLQ) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و

1. Markov Switching Intercept Autoregressive
2. Markov Switching Mean
3. Markov Switching Intercept Heteroskedastic
4. Markov Switching Mean Heteroskedastic
5. Markov Switching Intercept Autoregressive
6. Markov Switching Intercept Autoregressive Heteroskedastic
7. Markov Switching Mean Autoregressive Heteroskedastic

متغیرهای توضیحی مدل در دو رژیم تبانی و رقابتی عبارتند از رشد قیمت حقیقی هر بشکه نفت ($DL_{Oilprice}$) و رشد تولید سایر اعضای اوپک^۱ (DL_{Qother}) و سایر متغیرهای توضیحی که در رژیم تبانی و رقابتی حضور عبارتند از رشد حجم ذخائر کشور ($DL_{reserve}$) و رشد تعداد چاه‌های تکمیل شده کشور طی دوره (DL_{compel}). تعداد چاه‌های تکمیل شده به عنوان جانشینی از سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی به کار رفته و قیمت حقیقی هر بشکه نفت، از تقسیم قیمت اسمی بر شاخص قیمتی مصرف کننده آمریکا بدست آمده است. به منظور از بین بردن برخی شکست‌های ساختاری الگو ناشی از تغییرات قیمت نفت و تحولات ژئوپلیتیک، از ۴ متغیر مجازی استفاده شده است. $dumm1981$ و $dumm1982$ به منظور لحاظ شرایط جنگ ایران و عراق، $dumm1990$ به منظور در نظر گرفتن شرایط حاصل از جنگ اول خلیج فارس و اشغال کویت توسط عراق و $dumm2004$ به منظور لحاظ شرایط اشغال عراق توسط آمریکا مورد استفاده واقع شده‌اند.

جدول ۳. تعریف پارامترهای مدل

پارامتر	توضیح	علامت مورد انتظار
$S_{it} = 0 \text{ or } 1$		
رژیم صفر (تبانی)		
α_1^0	عرض از مبدا	مثبت یا منفی
α_2^0	ضریب قیمت	منفی یا بی معنی
α_3^0	ضریب تولید دیگر اعضای اوپک	مثبت
رژیم یک (رقابت)		
α_1^1	عرض از مبدا	مثبت یا منفی
α_2^1	ضریب قیمت	مثبت
α_3^1	ضریب تولید دیگر اعضای اوپک	مثبت
سایر پارامترهای تابع عرضه		
β_1	ضریب ذخائر	مثبت
β_2	ضریب تعداد چاه تکمیل شده	مثبت

منبع: یافته‌های پژوهش

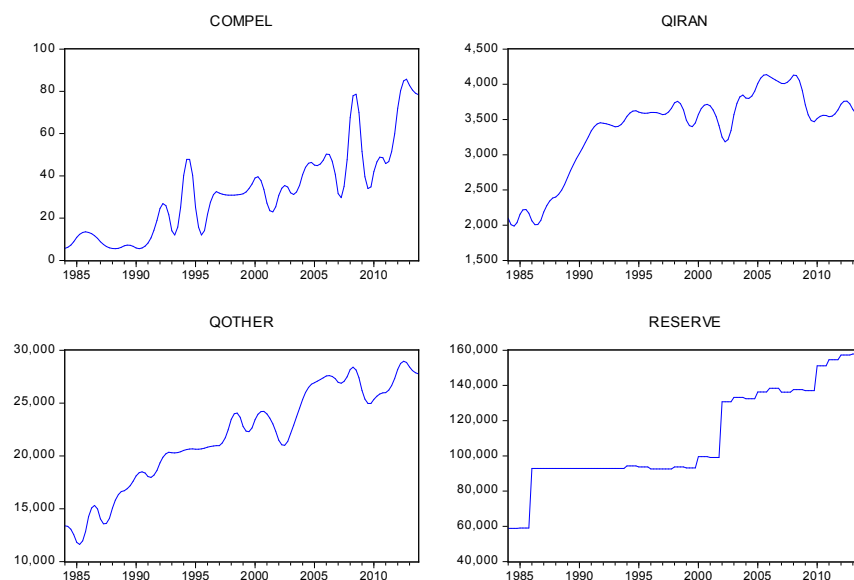
۱. تولید کل اوپک منهای تولید ایران

اطلاعات استفاده شده جهت تخمین اعم از حجم ذخائر، تولید اعضای اوپیک، تعداد چاه‌های تکمیل شده و قیمت نفت، از دبیرخانه سازمان اوپیک (واقع در وین - اطریش) اخذ شده است. تمامی داده‌ها فصلی بودند به جز تعداد چاه‌های تکمیل شده کشور که فقط به صورت سالانه در اختیار قرار داشتند، بنابراین، بالاجبار با استفاده از نرم افزار Ewiev9 فصلی شدند. جهت برآورد مدل و تخمین آن با توجه به قابلیت‌های فوق‌العاده آن در تخمین مدل‌های مارکف سوئیچینگ از نرم‌افزار Oxmetrics 6.01 استفاده شده است.

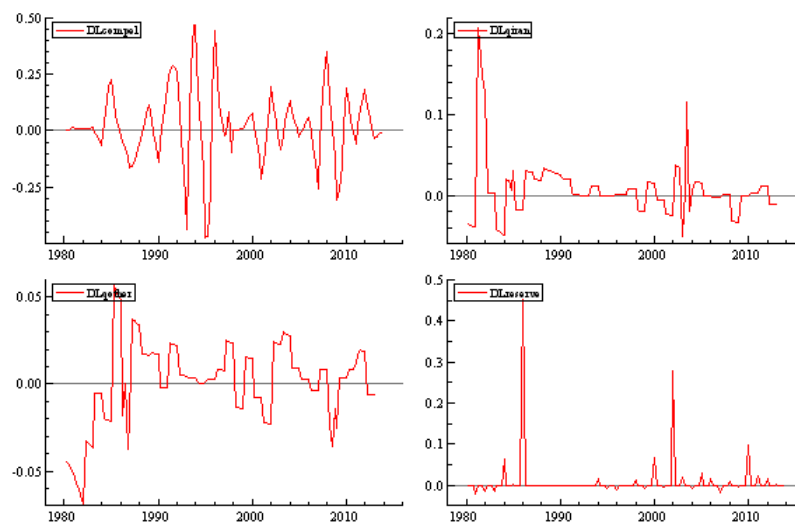
۵. نتایج تحقیق

بر مبنای اعلان رسمی، حجم ذخائر نفتی ایران از حدود ۵۸ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۱۵۷ میلیارد بشکه در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. همانگونه که از نمودار ۲ نیز قابل مشاهده است، ایران ۳ بار و به ترتیب ۵۰ درصد، ۳۰ درصد و تقریباً ۱۵ درصد حجم ذخائر اعلامی خود را افزایش داد، هر چند دفعات مکرری نیز به میزان کمتری افزایش ذخائر خود را اعلام کرده است. تولید نفت ایران نیز از کمتر از ۱۵۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ (با توجه به شرایط انقلابی آن روزها، تولید به مراتب کمتر از ظرفیت موجود بود) به ۳۵۷۵ هزار بشکه در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت. تعداد چاه‌های تکمیل شده نیز طی این دوره افت و خیز زیادی را تجربه کرد و از حدود ۲۵ حلقه در سال ۱۹۸۰ به ۳۲۱ حلقه در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

تحلیل رفتار اعضای اوپک در اعلام ذخائر نفتی: مطالعه موردی ایران □ ۲۴۹



نمودار ۱. تولید (هزار بشکه در روز)، حجم ذخائر (میلیون بشکه)، تعداد چاه های تکمیل شده (حلقه چاه در فصل) ایران و تولید نفت اوپک منهای ایران (هزار بشکه در روز) - منبع: اطلاعات دبیرخانه اوپک



نمودار ۲. روند رشد تولید، حجم ذخائر، تعداد چاه های تکمیل شده ایران و تولید نفت اوپک منهای ایران - منبع: یافته های پژوهش

برای اجتناب از رگرسیون کاذب در الگوی مورد نظر برای ایران، قبل از انجام برآورد لازم است آزمون ایستایی متغیرها صورت گیرد. به همین منظور جهت آزمون ایستایی از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱ استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر نامانای یا نایستا بودن متغیر مورد نظر است.

جدول ۴. بررسی ایستایی متغیرهای الگوی ایران در سطح

وضعیت مانائی	Prob	t-stat	متغیر
I(1)	۶۰ درصد	-۱/۹۹	Lcompel
I(1)	۷۲ درصد	-۱/۷۶	LqIr
I(1)	۵۳ درصد	-۲/۱۱	Lqother
I(1)	۳۷ درصد	-۲/۴۱	Lreserve

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته، تمامی متغیرهای الگوی در نظر گرفته شده برای ایران، در سطح ایستا نبوده و لازم است با یک‌بار تفاضل‌گیری، این آزمون مجدداً انجام پذیرد.

همچنین با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر متغیرهای بازار نفت، بایستی آزمون شکست ساختاری نیز انجام گیرد.

جدول ۵. بررسی ایستایی متغیرهای الگوی ایران در سطح با لحاظ شکست ساختاری

وضعیت مانائی	Prob	t-stat	متغیر
I(1)	۹۹ درصد	-۰/۸۰	Lcompel
I(1)	۳۵ درصد	-۳/۵۶	LqIr
I(1)	۵۱ درصد	-۳/۲۹	Lqother
I(1)	۸۵ درصد	-۰/۷۹	Lreserve

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Augmented Dicky Fuller

تحلیل رفتار اعضای اوپک در اعلام ذخائر نفتی: مطالعه موردی ایران □ ۲۵۱

با توجه به آزمون شکست ساختاری پرون، تمامی متغیرها با وجود شناسائی شکست ساختاری در سطح ایستا نبودند و ضروریست آزمون دیکی فولر با یکبار تفاضل گیری، انجام گیرد.

جدول ۶. بررسی ایستایی متغیرهای مدل ایران با یکبار تفاضل گیری

متغیر	<i>t-stat</i>	<i>Prob</i>	وضعیت مانائی
DLcompel	-۳/۲۴	۲درصد	I(0)
DLqIran	-۲/۵۸	۱درصد	I(0)
DLqother	-۲	۴درصد	I(0)
DLreserve	-۵/۶۲	۰ درصد	I(0)

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) بیانگر ایستابودن تمامی متغیرها در سطح ۵درصد است. بطور نمونه رشد تعداد چاه‌های تکمیل شده (DLcompel) دارای آماره آزمون t برابر با -۳/۲۴ و سطح احتمال ۲درصد می‌باشد از این رو فرضیه H_0 مبنی بر نا ایستا بودن متغیر را نمی‌توان پذیرفت و در نتیجه این متغیر ایستا می‌باشد. متغیر رشد مقدار تولید ایران DLQ با آماره آزمون -۲/۵۸ و سطح احتمال ۱درصد، بیانگر عدم پذیرش فرضیه H_0 است پس متغیر مورد نظر ایستا می‌باشد. متغیر رشد تولید سایر کشورهای عضو اوپک نیز (DLqother) با توجه به آماره -۲ و سطح احتمال ۴درصد، فرضیه H_0 مبنی بر ایستا نبودن متغیر را نمی‌توان پذیرفت و در این صورت متغیر مورد نظر ایستا می‌باشد. در نهایت متغیر رشد ذخایر اعلامی ایران با توجه به آماره آزمون و سطح احتمال ایستا می‌باشد.

جدول ۷. ضرایب تخمین معادله ایران

احتمال t	مقدار t	خطای استاندارد	ضریب
۰/۶۴۸	-۰/۴۰۷	۰/۰۱۱۶۴	DLreserve -۰/۰۰۴۷۴۱۶۴
۰/۰۰۰	۱۳/۲	۰/۰۰۲۰۴۷	dumm1990 ۰/۰۲۷۱۰۹۸
۰/۰۰۰	۵۲/۷	۰/۰۰۴۲۰۶	dumm1981 ۰/۲۲۱۵۴۰
۰/۰۰۰	۵/۵۰	۰/۰۰۲۰۱۹	dumm2004 ۰/۰۱۱۱۱۴۳
۰/۰۰۰	۱۴/۷	۰/۰۰۲۳۱۳	dumm1982 ۰/۰۳۳۹۲۶۹
۰/۰۷۶	۱/۷۹	۰/۰۰۲۳۴۰	DLcompel_4 ۰/۰۰۴۱۸۶۲۰
۰/۰۰۰	-۱۰/۳	۰/۰۰۰۴۴۰۳	Constant(0) -۰/۰۰۴۵۳۸۷۲
۰/۰۹۹	۱/۶۶	۰/۰۰۵۲۱۰	Constant(1) ۰/۰۰۸۶۶۸۲۶
۰/۰۰۰	۲۳/۶	۰/۰۰۳۲۴۴	DLqother(0) ۰/۷۶۶۹۷۴
۰/۹۴۶	۰/۰۶۷۸	۰/۱۸۶۰	DLqother(1) ۰/۰۱۲۶۰۳۹
۰/۰۰۰	۴/۹۸	۰/۰۰۵۵۸۱	DLoilprice(0) ۰/۰۲۷۸۰۷۸
۰/۱۲۲	۱/۵۶	۰/۰۵۸۲۹	DLoilprice(1) ۰/۰۹۰۸۶۳۴
۰/۰۰۰	۱۱/۲	۰/۰۰۰۲۹۱۱	sigma(0) ۰/۰۰۳۲۵۲۹۱
۰/۰۰۰	۹/۶۶	۰/۰۰۳۴۸۴	sigma(1) ۰/۰۳۳۶۳۹۶
۰/۰۰۰	۲۶/۰	۰/۰۳۴۸۷	p_{0 0} ۰/۹۰۷۶۱۱
۰/۰۰۶	۲/۸۲	۰/۰۵۴۹۹	p_{0 1} ۰/۱۵۴۹۲۳

log-likelihood: 397.905842
no. of observations: 127
AIC.T: -763.811684
mean(DLQ): 0.00657024
Linearity LR-test $\chi^2(6) = 183.07$ [0.0000]** approximate upper-bound: [0.0000]**

no. of parameters: 16
AIC: -6.01426523
var(DLQ): 0.000935426

Transition probabilities $p_{ij} = P(\text{Regime } i \text{ at } t+1 \mid \text{Regime } j \text{ at } t)$

	Regime 0.t	Regime 1.t
Regime 0.t+1	0.90761	0.15492
Regime 1.t+1	0.092389	0.84508

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تخمین مدل ایران نشان می دهد که رشد ذخایر اعلامی ایران اثر معناداری بر روی تولید نداشته و این ضریب بسیار کوچک است. متغیر مجازی ۸۲-۱۹۸۱ اثر مثبت و معناداری بر روی تولید داشته که دلیل آن عمدتاً افزایش سطح قیمت های نفت بوده است.

متغیر مجازی ۲۰۰۴ به منظور حذف اغتشاش ناشی از اشغال عراق توسط آمریکا بوده که اثر مثبت و معناداری بر روی رشد تولید داشته است. رشد متغیر وقفه چهارم چاه های تکمیل شده، اثر مثبت و معناداری بر روی رشد تولید دارد. این متغیر، شاخص سرمایه گذاری در صنعت نفت است. رشد تولید نفت در رژیم صفر حالت رقابتی را نشان می دهد و رشد تولید سایرین اثر مثبت و معناداری بر روی رشد تولید ایران داشته است. در رژیم یک، رشد قیمت واقعی نفت، اثر مثبت و بی معنا بر روی تولید دارد که بیانگر حالت تبانی است. در این حالت تولید سایر اعضای اوپک اثر مثبت و بی معنا بر روی تولید ایران دارد.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

طی سال های اخیر گزارش های مختلفی پیرامون تغییر میزان ذخایر نفتی کشورهای دارنده نفت به ویژه کشورهای عضو اوپک مطرح شده که رتبه اعضای اوپک را در زمینه در اختیار داشتن بزرگترین ذخائر نفتی جهان، تغییر داده است. علاوه بر مواردی که در گذشته اتفاق افتاده، در آخرین تحولات در سال ۲۰۱۱ و پس از ونزوئلا که آمار جدیدی از ذخایر خود را اعلام کرد و مدعی شد بزرگترین دارنده ذخایر نفتی جهان است، عراق نیز با اعلام افزایش ذخایر نفتی خود چنین ادعایی را تکرار کرد و این مسئله توسط سایرین و نیز ایران، ادامه یافت.

به نظر می رسد اعلام ذخائر کشورهای عضو اوپک دارای یک همزمانی است که شاید با میزان واقعی ذخائر آنها در تناقض باشد که می تواند منافع تمام اعضای اوپک را به خطر بیاندازد. به راحتی می توان نشان داد که اعلام حجم ذخائر اثبات شده نفت جهان بیش از میزان واقعی، تبعات غیرقابل تصویری بر بازارهای جهانی انرژی جهان دارد. از طرفی با توجه به کم شدن نگرانی ناشی از کمیابی منابع، قیمت های جهانی نفت در سطحی به مراتب

پائین‌تر از سطوح واقعی خود قرار خواهد گرفت و از طرفی باعث خواهد شد تا تلاش‌های مناسب و متناسبی برای یافتن منابع و انرژی‌های جایگزین انجام نشود که می‌تواند جهان را در آینده‌ای نه چندان دور، با بحرانی جدی مواجه سازد. بنابراین بررسی دقیق و تدوین یک روش‌شناسی مناسب می‌تواند پاسخگوی بسیاری از ابهامات باشد.

بر خلاف شرکت‌های نفتی که حجم ذخائر آنها توسط شرکت‌های معتبر بین‌المللی مورد بازرینی و ممیزی قرار می‌گیرد، مکانیزمی جهت راستی آزمائی میزان ذخائر اعلام شده اعضای اوپک وجود ندارد. پژوهش حاضر تلاش کرده تا از طریق بررسی میزان تاثیرگذاری این اطلاعات بر سیاست‌های تولیدی این کشورها و در نتیجه بر بازار جهانی نفت، نسبت به معتبر بودن این اعلام‌ها، اظهارنظر نماید زیرا این اعتقاد وجود دارد که اعلام بیش از اندازه حجم ذخائر، باعث اغتشاش در بازار خواهد بود به این دلیل که این اطلاعات، مبنائی برای تداوم پیش‌بینی عرضه آتی نفت در بازارهای جهان است.

بر مبنای مطالعه انجام شده، عملاً ارتباط چندانی میان افزایش حجم ذخائر و تغییر تولید نفت خام ایران وجود ندارد که به نظر می‌رسد اعلام بیش از اندازه واقعی حجم ذخائر نفت، ناشی از رقابت پنهان میان اعضای اوپک در کسب جایگاه بالاتر در سازمان و نیز بدست آوردن سهمیه بیشتر تولید از این سازمان است.

با توجه به مطالعات انجام شده گذشته، این ادعا که ذخائر اوپک ۳۰۰ میلیارد بشکه بیش از واقع اعلام شده، به راحتی قابل رد کردن نخواهد بود، در مورد ایران نیز با توجه به اظهار نظر متخصصین کهنه کار نفتی کشور و افرادی که به ریز اطلاعات مخازن کشور دسترسی دارند، ادعا می‌کنند که حجم ذخائر نفتی قابل استحصال باقی مانده کشورمان در حدود ۵۰ میلیارد بشکه بیشتر نخواهد بود، می‌توان به این عدد، ۲۰۰ میلیارد بشکه حجم ذخائر غیرمتعارف ونزوئلا که از سال ۲۰۰۸ به عنوان ذخائر اثبات شده به سیاهه ذخائر نفت سازمان اوپک اضافه شده را نیز در نظر گرفت تا بتوان در مورد ادعای فلیپ سواره که یک چهارم ذخائر اعلامی اوپک را غیرواقعی می‌داند و یا گفته محمود سلامه که ذخائر اعلامی اوپک را ۳۰۰ میلیارد بشکه بیشتر از واقع می‌داند، اظهار نظر نمود.

منابع و مأخذ

- Abdoli G, Majed V. (2012), Analyzing OPEC Members Behavior: A Cooperation Game Approach, *Journal of Economic Modeling Research*, 2012; 2 (7) :27-50
- Adelman, M.A. and Lynch M.C. (1997), Fixed view of resource limit creates undue pessimism, *Oil & Gas Journal*, v. 95, no. 14, p. 56-60.
- Bagheri Ali (2011), OPEC's Role in the Diversified Future Energy Market, *Iranian journal of Economic Research*, Vol. 16, No. 46, Spring 2011, pp. 1-18
- Bentley, R.W., Mannan S.A., and Wheeler S.J. (2007), Assessing the date of the global oil peak: The need to use 2P reserves), *Energy Policy*, 35, no 12:6364-82.
- Boyce John R. (2009), what goes up Must Come Down? An Economic Analysis of Peak Oil, Department of Economics, University of Calgary.
- BP, BP statistical yearbook, 2015.
- Colin J. Campbell and Jean H. Laherrère (1998), The End of Cheap Oil, *Scientific American*, march 1998, pp 78-83.
- David L. Greene, Janet L. Hopson, Jia Li (2005), Have we run out of oil yet? Oil peaking analysis from an optimist's perspective, University of Tennessee, 27 December 2005.
- Hamilton, J. D. (1994) , Time Series Analysis, Princeton University.
- Krolzig, H.-M. (1997), Markov Switching Vector Autoregressions Modelling Statistical Inference and Application to Business Cycle Analysis, Berlin: Springer.
- Linden, Henry R. (1998), Flaws seen in resource models behind crisis forecasts for oil supply price, *Oil and Gas Journal*, v. 96, n. 52 (December 28, 1998), p. 33-37.
- Lynch, M. C. (2003), Petroleum resources pessimism debunked in Hubbert model and Hubbert modelers' assessment, *Oil Gas J.*, 101(27), 38-47.
- Mohr and Evans (2008), Peak Oil: Testing Hubbert's Curve via Theoretical Modeling, *Natural Resources Research*, 17(1):1-11, March 2008.
- Okullo Samuel J., Reynes Frederic (2011), Can Reserve Additions in Mature Crude Oil Provinces Attenuate Peak Oil?, *Energy Journal*, Volume 36, Issue 9, September 2011, Pages 5755-5764.
- R.J. Brecha (20012), Logistic curves, extraction costs and effective peak oil, *Energy Policy*, December 2012, 51:586-597 .
- R.W. Bentley (2002), Global oil & gas depletion, *Energy Policy*, 30,189-205.

- Salameh Mamdough G. (2004), How realistic are OPEC's proven oil reserves?, *Petroleum Review*, August 2004, P. 26-29
- Samuel J. Okullo, Frederic Reynes (2015), Modeling Peak oil and geological Constraints on oil production, *Resource and ENERGY Economics*.
- Sauré P. (2010), Over-reporting Oil Reserves, Swiss National Bank working paper.
- The Economics of Peak oil, university of North Carolina, July 2011.